

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شیراز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

تصحیح دیوان طایر شیرازی همراه با شرح و تعلیقات

به وسیله‌ی

جابر ده‌باشی

استاد راهنما

دکتر نجف جوکار

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی
شیراز

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

شهریور ماه ۱۳۸۷

۱۰۵۷۱۹

به نام خدا

تصحیح دیوان طایر شیرازی همراه با شرح و تعلیقات

به وسیله‌ی

جابر ده‌باشی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلات تکمیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه عالی

دکتر نجف جوکار دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)

دکتر زهرا ریاحی زمین استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی

دکتر محمد حسین کرمی استاد بخش زبان و ادبیات فارسی

شهریور ماه ۱۳۸۷

تقدیم به:

همسر م آمنه

که سرسبزی زندگی من از باران محبت ایشان است .

سپاسگزاری

اکنون که به لطف خداوند منان، این رساله به پایان رسید، بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر نجف جوکار، که با سعه صدر و نظارت دقیق، اینجانب را در انجام هر چه بهتر کار، راهنمایی و یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. وجود آن استاد گرانقدر، مایه قوت قلب و دلگرمی این کمترین شاگرد بوده است. همچنین از سرکار خانم دکتر ریاحی زمین و جناب آقای دکتر محمد حسین کرمی که بر شاگردشان منت نهادند و با راهنمایی‌ها و نظرات بسیار ارزشمند و گره‌گشا، دست این نوکار را در مراحل مختلف انجام رساله گرفتند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم.

از مسئولین محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه شهید دستغیب شیراز و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور که نسخه‌های خطی دیوان طایر را در اختیار اینجانب قرار دادند، نیز تشکر می‌کنم. همچنین از آقای دکتر اکبر نحوی، آقای دکتر مسلم زمانی، آقای محمد جعفر جنابی، آقای جبار ده‌باشی، آقای صابر اکبری و آقای هوشنگ مددی که هر کدام به نوعی اینجانب را در انجام رساله کمک کردند، سپاسگزاری می‌نمایم.

چکیده

تصحیح دیوان طایر شیرازی همراه با شرح و تعلیقات

به وسیله :

جابر دهباشی

طایر شیرازی، برادرزاده حاجی ابراهیم خان کلانتر، از شاعران دوره بازگشت ادبی و همعصر فتحعلی شاه قاجار است. از این شاعر شیرازی دیوانی به جا مانده است که بیش از پنج هزار و ششصد بیت دارد. هدف اصلی این رساله، تصحیح دیوان طایر و فراهم ساختن زمینه شناخت اندیشه‌ها، اشعار، شرح حال و اوضاع روزگار شاعر بوده است. بر این اساس، این رساله به هشت فصل تقسیم شده است:

در فصل اول به طرح موضوع، اهمیت و ضرورت، هدف و پیشینه تحقیق پرداخته‌ایم.

فصل دوم به معرفی نیاکان طایر و بیان شرح حال و وقایع مهم زندگی وی اختصاص یافته است.

در فصل سوم شعر و شاعری طایر را بررسی کرده‌ایم. طایر در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه و رباعی شعر سروده است. در قصیده از سبک خراسانی، به ویژه انوری تقلید کرده است. در غزل از حافظ و شاعران مکتب وقوع تأثیر پذیرفته است. موضوعات شعری وی بیشتر منقبت‌آمیز، مدح، عشق، وصف و هجو است.

در فصل چهارم، به معرفی نسخه‌های به جا مانده از دیوان طایر و بیان ویژگی‌های هر کدام پرداخته‌ایم. نسخه‌های موجود از دیوان طایر که در دسترس ما بوده‌اند عبارتند از: نسخه‌اهدایی مرحوم حکمت به کتابخانه دانشگاه تهران (اساس، اس)، نسخه کتابخانه مجلس (م)، نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (اد) و نسخه کتابخانه دستغیب شیراز (ش). علاوه بر آن در این فصل دلایل ترجیح نسخه اساس و روش تصحیح نیز بیان شده است.

در فصل پنجم برخی از منابع مقدمه را به اختصار معرفی کرده‌ایم.

در فصل ششم به تصحیح دیوان طایر پرداخته‌ایم. ضبط نسخه اهدایی حکمت به کتابخانه دانشگاه تهران (اساس) را، که کامل‌ترین و صحیح‌ترین نسخه بوده است، در متن قرار داده و موارد اختلاف نسخه‌بدل‌ها را با نسخه اساس در پاورقی آورده‌ایم. اشعار و ابیاتی را که در نسخه اساس نیامده و تشخیص داده‌ایم از خود شاعر است در پاورقی، اما برجسته‌تر و واضح‌تر از موارد اختلاف نسخ، ثبت کرده‌ایم.

در فصل هفتم به شرح ابیاتی که نیاز به شرح یا توضیح داشته است پرداخته‌ایم.

در فصل هشتم به نتیجه‌گیری و بیان فواید ادبی، فرهنگی و تاریخی شعر طایر پرداخته‌ایم و پس از آن فهرست‌های لازم نیز تنظیم کرده‌ایم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : کلیات.....	۱
۱-۱- مقدمه (طرح موضوع یا مسئله تحقیق).....	۱
۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۴
۱-۳- هدف تحقیق.....	۵
۱-۴- پیشینه تحقیق.....	۵
۱-۵- روش تحقیق.....	۷
فصل دوم : شرح حال طایر شیرازی.....	۸
۱-۲- پدران و نیاکان طایر.....	۸
۲-۲- نام و تخلص طایر.....	۱۶
۳-۲- شرح حال و وقایع زندگی طایر.....	۱۶
۴-۲- خصوصیات اخلاقی ، هنر و دانشهای طایر.....	۲۶
فصل سوم : شعر و شاعری طایر.....	۳۰
۱-۳- نگاهی به شعر طایر و بررسی مختصات آن.....	۳۰
۲-۳- بررسی تکرار قافیه در شعر طایر.....	۴۴
۳-۳- تقلید و تأثیرپذیری از پیشینیان.....	۴۶
۴-۳- موضوعات اشعار طایر.....	۵۳
۵-۳- ممدوحان طایر.....	۶۱
۶-۳- معاصران طایر.....	۶۹
فصل چهارم : دیوان طایر ، نسخه‌های موجود ، روش تصحیح و ...	۷۱
۱-۴- دیوان طایر.....	۷۱
۲-۴- نسخه‌های موجود.....	۷۳
۳-۴- روش تصحیح.....	۸۳
۴-۴- تصویر نسخه‌ها.....	۸۶
فصل پنجم : یادداشت‌ها (معرفی منابع و برخی از شاعران).....	۸۹

عنوان	صفحه
فصل ششم: متن دیوان	۹۵
دیباچه	۹۵
قصاید	۱۰۳
قطعات	۲۱۹
غزلیات	۲۳۲
رباعیات	۴۴۲
مفردات	۴۴۹
فصل هفتم: شرح و تعلیقات	۴۹۸
۱-۷- شرح و توضیحات دیباچه	۴۵۱
۲-۷- شرح و توضیحات قصاید	۴۵۵
۳-۷- شرح و توضیحات قطعات	۴۶۷
۴-۷- شرح و توضیحات غزلیات	۴۶۸
۵-۷- شرح و توضیحات رباعیات	۴۷۳
فصل هشتم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق	۴۷۵
پیوست‌ها	۴۷۷
فهرست ابیات برگزیده	۴۷۷
فهرست تفصیلی اشعار	۴۸۰
فهرست قصاید	۴۸۰
فهرست قطعات	۴۸۲
فهرست غزلیات	۴۸۴
فهرست رباعیات	۴۹۴
واژه‌نامه	۴۹۶
فهرست آیات و احادیث	۵۰۴
فهرست اعلام	۵۰۵
فهرست منابع و مآخذ	۵۱۴

نشانه‌های اختصاری به کار رفته در متن

اساس (اس) : نسخه اهدایی مرحوم حکمت به کتابخانه دانشگاه تهران

م: نسخه کتابخانه مجلس

اد: نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

ش : نسخه کتابخانه دستغیب شیراز

ص : صفحه

صص: صفحات

ر.ک : رجوع کنید به

لغت نامه : لغت نامه دهخدا

فصل اول :

کلیات

۱-۱- مقدمه (طرح موضوع یا مسأله تحقیق)

پیشینیان با همه کمبود ها و مشکلات ، آثار مکتوب فراوانی از پس قرن ها برای ما به یادگار گذاشته اند که پشتوانه و سرمایه بزرگ علمی و فرهنگی ما محسوب می شود .
امروزه وظیفه اهل علم ، دانش پژوهان و دانشجویان این است که گرد فراموشی و گمنامی از دامن موارث فرهنگی و علمی بر گیرند و با تصحیح و شرح و نقد آن آثار ، بستر لازم را برای آشنایی هر چه بیشتر جامعه با سیر اندیشه و افکار پیشینیان فراهم سازند .
بنابراین نگارنده بر آن است که با تصحیح دیوان طایر شیرازی به همراه شرح و تعلیقات آن ، تا جایی که در توان دارد زمینه شناخت اندیشه ها ، اشعار ، شرح حال و اوضاع روزگار این شاعر را هموار سازد .

طایر شیرازی از شاعران دوره بازگشت ادبی و اوایل قاجاریه است . دوره بازگشت ادبی پس از سقوط صفویه (۱۱۳۵ق .) به تدریج آغاز شده و تا استقرار مشروطیت (۱۳۲۴ق .) ادامه داشته است . این دوره از نظر تاریخی شامل دوره های افشاریه ، زندیه و به ویژه قاجاریه بوده است .
ملک الشعراء بهار ، با توجه به اشارات و تصریحاتی که آذر در تذکره آتشکده دارد ، نتیجه گرفته است که ظرفا و موزونان اصفهان و فارس در قرن دوازدهم هجری از سبک هندی معرض بوده اند و نوشته است که « نباید پنداشت که ... در زمان صفویه کسی از ادبا به فکر رجوع با شیوه قدما نیفتاده است » . (بهار ، ۱۳۸۱ ، ج ۳ : ۳۱۲)

مکتب بازگشت با تشکیل اولین انجمن ادبی در اصفهان ، به طور ملموس و محسوس آغاز شده است :

« ... با آرامشی نسبی که در عهد کریم خان زند پیدا شد ... عده ای از ... شاعران ... در اصفهان گرد هم آمده ، انجمنی به نام "انجمن ادبی اصفهان" تشکیل دادند ...
اعضای انجمن ادبی اصفهان عبارت بودند از مشتاق اصفهانی ، عاشق اصفهانی ، محمد تقی صهبا ، آذر بیگدلی ، هاتف اصفهانی ، صباحی بیدگلی ، مدیر انجمن مشتاق اصفهانی بود . » (لنگرودی ، ۱۳۷۵ ، ۵۲)

این بازگشت به سبک قدما کاملاً آگاهانه بوده است و همچون حرکت‌های آگاهانه دیگر، به فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های مناسب و رهبری احتیاج داشته است. بنابر این در طول دوره بازگشت، برای شروع و تداوم آن سه انجمن تشکیل شد.

انجمن اول، چنانکه ذکر شد به سرپرستی مشتاق اصفهانی در اصفهان تشکیل شد. یحیی آرین پور در باره مشتاق اصفهانی نوشته است: «.. در ایجاد نهضت جدید بیش از همه کوشش و دیگران را به استقبال و تتبع سبک کلام استادان قدیم رهبری کرد.» (آرین پور، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۳)

انجمن دوم، انجمن نشاط بود که در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار، مجدداً در اصفهان تشکیل شد و تا زمانی که فتحعلی شاه، وی را به تهران احضار کرد ادامه داشت. «این انجمن به امور ادبی و اسلوب‌های گوناگون کلام از انجمن اول بیناتر بود» (همان، ۱۴)

انجمن سوم، انجمن خاقان است که به سرپرستی شخص اول مملکت در آن زمان یعنی فتحعلی شاه در تهران تشکیل شد. نام انجمن هم، برگرفته از تخلص شاعری فتحعلی شاه بود.

«...صدها شاعر قصیده‌گو و غزلسرا که محور همه آنها "ملک‌الشعرای صبا" بود به

امید نزدیک شدن به مرکز قدرت و گرفتن صله و جایزه و کسب نام بهترین شاعر و

ربودن لقب ملک‌الشعرایی از هر سو در پیرامون شاه شاعر و شعرشناس گرد آمدند و

انجمنی به نام انجمن خاقان تشکیل دادند.» (همان، ۱۵)

برخی از شاعران معروف این انجمن عبارتند از: مجمر، فتحعلی خان صبا، نشاط اصفهانی، وصال شیرازی و قآنی. از دیگر شاعران معروف اوج "دوره بازگشت" یغمای جندقی، سروش اصفهانی، ابوالفتح شیبانی و ... قابل ذکر هستند.

در باره بازگشت شاعران آن دوره به سبک قدما دلایل مختلفی ذکر شده است که مهمترین و مشهورترین آنها ملال و خستگی از عبارت‌سنجی‌ها و نکته‌پردازی‌های سبک هندی است. (آرین پور، ۱۳۸۱، ۱۳) در کتاب "سبک‌شناسی شعر" به ضدیت شاعران نخستین دوره بازگشت از قبیل آذر بیگدلی و مشتاق و صباحی بیدگلی با سبک هندی اشاره شده است. (شمیسا، ۱۳۷۹، ۳۰۷) مولف این کتاب، موارد زیر را از عوامل مؤثر در پیدایش نهضت بازگشت می‌داند: ۱- تاراج کتابخانه اصفهان در حمله افغان‌ها به اصفهان (۱۳۵ق.) و افتادن مقداری از آن کتاب‌ها به دست مردم و در نتیجه ارتباط مجدد اهل ذوق با ادب کهن ۲- دربار قاجاریه ۳- تضعیف جامعه و تغییر نکردن اوضاع و احوال منحنی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی. (همان، ۷- ۳۰۶)

«از نهضت ادبی این دوره نمی‌توان به سبک ویژه‌ای که تازه‌جویی‌ها و نوآوری‌های خاصی را همراه داشته باشد یاد کرد. زیرا شعرای این دوره عموماً بر تقلید از اصطلاحات و لغات و ترکیبات معمول پیشینیان و پیروی

از طرز و اندیشه‌ای که ابداً به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن‌ها نبوده
، اصرار ورزیده‌اند.» (خاتمی، ۱۳۷۳، ۲۰۱)

شاعران دوره بازگشت در قصاید خود از شاعران سبک خراسانی و دوره سلجوقی یعنی رودکی، فرخی، فردوسی، عنصری، منوچهری، مسعود سعد، انوری، خاقانی و... تقلید کرده‌اند و در غزل دنباله‌رو سعدی و حافظ بوده‌اند. علاوه بر آن در غزلیات شاعران اوایل دوره بازگشت، نشانه‌هایی از تقلید و تأثیرپذیری از مکتب وقوع به چشم می‌خورد. «اساس مکتب وقوع این است که وقایع بین عاشق و معشوق و حالات آنان مبتنی بر واقعیت باشد.» (شمیسا، ۱۳۷۹، ۲۷۰)

بسیاری از شاعران دوره بازگشت در میان علاقه‌مندان به ادبیات و شعر، معروف و شناخته شده هستند. این شهرت و اعتبار علاوه بر تقلید موفق از پیشینیان، نتیجه وجود برخی از اشعار و ابیات زیبا و لطیف در دیوان آن شاعران است، که شعرشناسان و ادب‌دوستان، آن‌ها را پسندیده‌اند. استاد بهار، در باره نشاط می‌نویسد:

«... راستی غزل‌های نشاط در میان متأخران بسیار مطبوع افتاد... اگر جز این یک غزل که مطلع آن چنین است:

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد در دل دوست به هر حيله رهی باید کرد

دیگر هیچ نداشت برای بزرگی و علو مقام شعری او کافی بود...» (بهار، ۱۳۸۱، ج ۳، ۳۲۳)

اما برخی از شاعران دوره مورد بحث، با آنکه صاحب دیوان هستند، تنها در تذکره‌ها و آن هم به طور گذرا معرفی شده‌اند؛ در حالی که تصحیح دیوان به جا مانده از این شاعران و مطالعه و بررسی دقیق شعر آنها از نظر ادبی، فرهنگی و تاریخی قطعاً دارای فواید بسیاری خواهد بود.

یکی از شاعران دوره بازگشت که تا کنون کمتر شناخته شده است، طایر شیرازی است. وی از شاعران دوره فتحعلی شاه و برادر زاده حاجی ابراهیم خان است. حاجی ابراهیم در اواخر دوره زندیه، کلانتر شیراز بود و با خیانت به لطفعلی خان زند و همکاری با آقا محمد خان قاجار، در تغییر سلطنت در ایران نقش اساسی داشت. پس از به قدرت رسیدن قاجاریه به پاداش خدمت خود به خان قاجار، به صدر اعظمی ایران رسید و تا سال ۱۲۱۵ق. که فتحعلی شاه قاجار از وی بدگمان شد و وی و خاندانش را قلع و قمع کرد، در این منصب باقی ماند. طایر نیز پس از این رویداد تاریخی که شرح کامل آن را در ادامه می‌آوریم، به دستور فتحعلی شاه نابینا شد.

از این شاعر نابینای شیرازی، دیوانی به جا مانده است که در برگزیده بیش از پنج هزار و پانصد بیت در قالب‌های مختلف شعری است. اشعار وصفی طایر که در تشبیب قصاید آمده و در توصیف فصول مختلف سال یا بناهای آن روزگار است، زیبا

و از نظر تصویرسازی غنی است. شکوائیه‌های وی نیز، چه در قصاید و چه در غزلیات، در عین سادگی، از گیرایی و تأثیر خاصی برخوردار است. اما اشعار مدحی طایر و غزلیاتی که تحت تأثیر مکتب وقوع سروده است، علی‌رغم حجم زیاد، اشعاری متوسط است؛ اگرچه در این نوع اشعار نیز تکبیت‌هایی دیده می‌شود که از نظر زیبایی و لطافت، قابل توجه است.

تا کنون از وجود شش نسخه از دیوان طایر آگاهی داریم که چهار نسخه در کتابخانه‌های داخل کشور و دو نسخه در خارج از ایران است. ما پس از مطالعه یکی از نسخه‌های دیوان طایر و آگاهی یافتن بر اهمیت و فواید آن، تصحیح دیوان این شاعر شیرازی را به عنوان رساله کارشناسی ارشد انتخاب کردیم. با کوشش فراوان و صرف چند ماه وقت، که با توجه به کوتاهی مدت تحصیلی دوره کارشناسی ارشد، زمان کمی نیست؛ موفق به فراهم آوردن میکروفیلم نسخه‌های موجود در داخل کشور شدیم و سپس به کار تصحیح پرداختیم.

۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق:

این تحقیق علاوه بر اینکه دیوان اشعار طایر را به نحوی مطلوب در اختیار علاقه‌مندان به شعر و ادب فارسی قرار می‌دهد؛ از جهات ذیل نیز حائز اهمیت است:

الف - دسترسی جامع و منسجم به شرح حال و زندگی طایر و خاندان وی به ویژه آنکه این خانواده در دستگاه‌های زندیه و قاجار دارای نفوذ و تأثیرگذار بوده‌اند.

ب- آگاهی از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان شاعر؛ زیرا ادبیات و جامعه از یکدیگر جدا نیست. برای شناخت بهتر شاعر و شعر و فکرش به شناخت اوضاع و احوال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیازمندیم و شعر شاعر به شناخت جامعه و دوران زندگی وی کمک می‌کند.

ج- آشنایی بیشتر با شعر و ادبیات قرن سیزدهم (دوره بازگشت).

د- آشنایی با وضعیت شعر و شاعری در دربار قاجار و جایگاه شاعر نزد حکومت و جامعه آن زمان و نحوه رفتار شاهان و شاهزادگان قاجار با شاعران. از آنجا که طایر شاعری مدیحه‌سراست، بنابراین مطالعه اشعارش ما را با برخی از شاهزادگان قاجار که به مدح آنان می‌پردازد و حوادثی که در زمانشان روی داده است، آشنا می‌سازد و چه بسا برخی از ناگفته‌ها نیز مکشوف گردد.

۳-۱- هدف تحقیق

علاوه بر تصحیح دیوان طایر، که مهم‌ترین هدف این رساله بوده است، به موارد زیر نیز پرداخته‌ایم:

الف- معرفی کامل خاندان شاعر و بررسی جایگاه سیاسی و اجتماعی آنان در دوره زند و قاجار بر اساس تواریخ آن دوره.

ب- بیان شرح حال و مهم‌ترین رویدادهای زندگی شاعر بر اساس دیباچه دیوان و اشعار وی و همچنین با استفاده از تذکرها و کتب تاریخی که در این باره سودمند بوده است.

ج- پرداختن به ویژگی‌های شعر طایر از نظر زبانی، ادبی و فکری؛ مشخص کردن شاعرانی که طایر از آنها تقلید کرده یا به نوعی تأثیر پذیرفته است، همراه با ذکر نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری؛ بیان موضوعات و مضامین غالب شعر طایر؛ معرفی ممدوحان و کسانی که نام آنها در دیوان آمده است.

د- معرفی نسخه‌های موجود، بیان ویژگی‌های نسخه اساس و دلایل ترجیح آن، بیان روش تصحیح

ه- شرح و توضیح ابیات دشوار و تنظیم فهرست‌های لازم در پایان رساله امید است که این رساله گام مهمی در جهت شناساندن شایسته طایر و شعر وی باشد.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در باره طایر شیرازی کمابیش در تذکرها می‌توان سراغ گرفت. تذکره اختر قدیمی-ترین تذکره‌ای است که به شاعری طایر و شعر وی پرداخته است. این تذکره که به نوشته مصحح آن، استاد خیامپور، بین سال‌های ۱۲۲۵ تا ۱۳۳۲ ق. تألیف شده است، ضمن معرفی طایر، نمونه‌هایی از شعر وی را آورده است. از آنجا که مؤلف تذکره مذکور به انتقال شاعر از اصفهان به کرمانشاهان اشاره کرده است (گرچی نژاد، ۱۳۵، ۱۳۴۳) نتیجه می‌گیریم که مطالب مربوط به طایر، پس از سال ۱۲۲۸ ق. نوشته شده است.

همچنین تذکره دلگشا در بوستان دوم ذیل حرف «ر»، انجمن خاقان در انجمن دوم، سفینه‌المحمود در جلد دوم صفحات ۵۳۴-۵۲۵، مجمع الفصحا ج ۵ صفحه ۷۲۵، نگارستان دارا در نگارخانه سیم صفحه ۱۰۹، فارسنامه ناصری ج ۲ صفحه ۹۶۱، مرآت الفصاحه اثر شیخ مفید (داور) صفحات ۳۷۳-۳۷۰، کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس صفحات ۵۰۷-۴۹۸، حدیقه الشعراء ج ۲ صفحات ۱۱۰۲-۱۰۹۹ و سیمای شاعران فارس صفحه ۳۳۵، به معرفی طایر و ثبت نمونه‌هایی از اشعار وی

پرداخته‌اند. در این تذکرها بدون در نظر گرفتن ابیات تکراری، حدود صد بیت از اشعار طایر دیده می‌شود.

یکی از ایراداتی که محققان، از برخی از تذکره‌های دوره قاجار گرفته‌اند، سرقت از تذکره‌های دیگران است. مصحح تذکره حدیقه‌الشعرا، در مقدمه آن تذکره چنین آورده است:

«... تذکره انجمن خاقان در واقع سرقت انجمن آرا (تذکره اختر) است از اختر بیگ شیرازی... محمود میرزا به سر وقت کتاب فاضل خان رفته و مطالب مغصوبه او را به یغما برده... عبدالرزاق دنبلی [مؤلف نگارستان دارا] که خود به اجزاء کتاب اختر بیگ دست نیافته، بسیاری از مطالب را از انجمن خاقان و سفینه‌المحمود تألیف محمود میرزا برداشته اما چون از محمود میرزا که شاهزاده‌ای متکبر و هتاک و سفاک و ستمگر بوده، می‌ترسیده هر جا از سفینه‌المحمود مطلبی برداشته به مأخذ خود اشاره کرده...» (دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۶، مقدمه، ص: ده)

با وجود وارد بودن این انتقاد، باید گفت که مؤلفین برخی از این تذکره‌ها، علاوه بر آنچه از تذکره‌های پیش از خود اقتباس کرده‌اند، مطالب و اشعاری را از همعصرانشان، در کتب خود آورده‌اند، که برای شناخت بیشتر آن شاعران و شعر آنان مهم و سودمند است.

همچنین سید امیر حسن عابدی در شماره ۱۴ مجله قند پارسی سال ۱۳۷۸، ضمن معرفی یکی از نسخه‌های دیوان طایر که در موزه ملی دهلی نگهداری می‌شود، مختصری در شرح حال طایر، قسمت‌هایی از دیباچه دیوان، برخی از مضامین شعری، نام برخی از ممدوحان و نمونه‌هایی از اشعار وی را آورده است. چون این مقاله کلی و گذرا نوشته شده است، در برخی موارد، چندان دقت نشده است. به عنوان مثال در پایان متن آورده است «مقطعات و رباعیات طایر شامل مدح و ثنای حضرت علی، امام حسین، ... پادشاه وقت، ... شیخ‌الاسلام، شیخ ابوالحسن... می‌باشد. (عابدی، ۱۳۷۸، ۲۹)؛ در حالی که در شعر طایر شیخ ابوالحسن هجو شده است نه مدح و ثنا و شیخ‌الاسلام نیز تهدید به هجو شده است.

آقای حسن امداد در کتاب سیمای شاعران فارس آنجا که به معرفی طایر پرداخته، نوشته است: «وی صاحب دیوان است و دیوانش از سوی احمد کرمی صاحب "نشریات ما" در دست چاپ می‌باشد.» (امداد، ۱۳۷۷، ۳۳۵). اما بنا به دلایلی نامعلوم تا کنون این کار صورت نگرفته است.

۵-۱- روش تحقیق

روش تحقیق ما، همانند اغلب رشته های علوم انسانی کتابخانه‌ای است. منابع تحقیق علاوه بر نسخه‌های خطی موجود از دیوان طایر، کتاب‌هایی است که در دستیابی ما به اهداف تحقیق سودمند بوده است. در ابتدا با مطالعه نسخه‌های موجود و براساس معیارهایی که در امر نسخه‌شناسی کاربرد دارد، صحیح‌ترین و کاملترین نسخه را اساس قرار داده و با نسخه‌های موجود دیگر مقابله کرده‌ایم و تلاش ما بر این بوده است که صورت صحیح و دقیق واژه‌ها و ابیات ضبط گردد.

همچنین با استفاده از تذکره‌ها و کتب تاریخی و نکته‌هایی که از لابلاهای اشعار استخراج نموده‌ایم به شرح حال طایر و تحلیل و بررسی مبانی افکار و اندیشه‌های وی پرداخته‌ایم.

در پایان با بهره‌گیری از کتاب‌های مرجع از جمله لغت‌نامه و دواوین شاعران گذشته، ابیات دشوار را شرح و توضیح داده‌ایم و تعلیقات لازم نیز افزوده‌ایم.

فصل دوم :

شرح حال طایر شیرازی

۱-۲- پدران و نیاکان طایر و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنان

نویسنده تاریخ ذوالقرنین در باره نسب شاعر ، آنجا که به معرفی حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله، عموی طایر می‌پردازد؛ آورده است:

« حاجی ... از معارف آدمی زادگان دارالعلم شیراز است و نسب او در ذکر السنه و افواه به این طریق کاشف راز که یکی از اجداد اعلای او از دارالسلطنه قزوین که وطن اصلی او بوده ... به دارالعلم شیراز آمده ... از خاندان حاجی قوام الدین شیرازی معروف، مستوره‌ای را به عقد ازدواج درآورد ... اولاد او نسل بعد نسل به سبب آن مستوره، خود را منسوب به حاجی قوام‌الدین دانسته ..» (خاوری ۱۳۸۰، ۱۴۷).

در فارسنامه ناصری نیز آمده است:

« ... فارسنامه‌نویس گوید اعتقاد جماعتی از معمرین اهل شیراز بر آن است که سلسله جناب حاجی محمود جد حاجی ابراهیم در زی تجارت، ثروتی مالاکلام داشت و در اواخر دولت صفویه مسجدی و مدرسه‌ای در محله بالاگفت شیراز ساخت و املاکی را بر آن وقف نمود و نام آنها را مسجد و مدرسه هاشمیه گذاشت و خلف‌الصدقش حاجی هاشم در فتنه اشرف افغان کدخدا باشی محلات حیدری‌خانه شیراز که نیمه کلانتری است گردید و در کرمان در سال ۱۱۶۰ به فرمان نادرشاه او را از یک چشم نابینا نمودند و حاجی طالب و حاجی ابراهیم خان پسران حاجی هاشم کدخدا باشی، در دولت زندیه به منصب پدری برقرار بودند...» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۶۷۹)

همچنین ذیل محله بالاگفت شیراز آورده است:

« از امراء و اعیان این محله ... سلسله جلیله هاشمیه از نسل و نتیجه مقرب الحضرت حاجی هاشم ، خلف‌الصدق مغفرت توأمان حاجی محمود ولد حاجی محمدعلی تاجر شیرازی، بانی و واقف مدرسه هاشمیه و مسجد هاشمیه که این دو عمارت را به نام ولد ارجمند خود حاجی هاشم در سال ۱۱۳۰ در این محله بساخت و املاکی چند

بر آن وقف نمود ... و اول کسی که از این سلسله مایل خدمتی دیوانی گردید ...
حاجی هاشم است. (همان، ج ۲: ۹۶۰)

در کتاب "فرهنگ رجال قاجار" در سلسله نسب این خاندان از دو حاجی هاشم نام برده است: یکی حاجی هاشم اول که «مسجد و مدرسه هاشمیه را بنیان گذارد» و دیگری حاجی هاشم دوم که «... به خدمت نادر شاه در آمد و در سال ۱۷۴۸ م. به سمت کدخدا باشی پنج ناحیه حیدری شیراز منصوب شد» مولف خارجی این کتاب حاجی ابراهیم خان را فرزند حاجی هاشم دوم می‌داند (چرچیل، ۱۳۶۹، ۲۱۳)؛ اما بر اساس کتب تاریخی ایران در دوره زند و قاجار، هر دو حاجی هاشم، یک شخص است و بانی مدرسه و مسجد، پدر حاجی هاشم یعنی حاجی محمود است. این مدرسه و مسجد به نام فرزند وی، به مسجد و مدرسه هاشمیه در شیراز معروف بوده است. با توجه به اینکه برخی از مؤلفین این کتب تاریخی، معاصر حاجی ابراهیم خان بوده‌اند، نوشته مؤلف "فرهنگ رجال قاجار" صحیح به نظر نمی‌رسد.

کتاب صدرالتواریخ نیز نسب این خاندان را به حاجی قوام‌الدین ممدوح حافظ رسانده است: «آبای ایشان در اصل از شهر قزوین بوده‌اند و وقتی به شیراز آمده‌اند، با سلسله حاجی قوام شیرازی.. وصلت کرده‌اند و در آن ولایت زیسته‌اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷، ۱۷) و در جایی دیگر به اینکه این سلسله در آغاز به کیش دیگری بوده‌اند و بعداً اسلام آورده‌اند اشاره کرده است. (همان، ۱۸)

اما نویسنده کتاب "تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز" انتساب این سلسله به حاجی قوام-الدین را نمی‌پذیرد و آن را فاقد سند می‌داند: «این دودمان گویند ما از نسل حاجی قوام باشیم ... لیکن این سخن را سندی نیست جد این دودمان از موسویان اسپهان است که دین اسلام گزیده و این آهو نیست، چه بیشتر این مردم، نیاکان به آیینی دیگر بودند. (نادر میرزا، ۱۳۵۱، ۱۹۴).

در تاریخ زند نیز به یهودی‌الاصل بودن آنان اشاره شده و از انتساب ایشان به حاجی قوام سخنی به میان نیامده است. تاریخ گیتی گشا می‌نویسد: «حاجی ابراهیم شیرازی پسر حاج هاشم که ابتدا از پیروان کیش یهود و بعدها به دین مقدس مشرف شده بود، در دستگاه کریمخان خدمت می‌کرد...» (نامی، ۱۳۶۳، ۱۰۱)

در کتاب "فرهنگ رجال قاجار" آمده است: «این خاندان نام خود را از بنیان‌گذار آن یعنی حاجی هاشم که به گفته بعضی از مردم، نخست یهودی بود و سپس به اسلام گرویده است، گرفته‌اند. هر چند که در شجره این خاندان چندین خانواده از جمله حاجی قوام‌الدین که در قرن چهاردهم میلادی رو به گسترش نهادند و حافظ شاعر از آنان یاد کرده است به چشم می‌خورد.» (چرچیل، ۱۳۶۹، ۲۱۳)

شاید این انتساب، نسب‌تراشی خود یا طرفداران ایشان، پس از قدرت گرفتن این خاندان، برای به فراموشی سپردن یهودی‌الاصل بودن آنان و تلاشی برای ادعای اصالت باشد.

بنابر این سلسله نسب طایر با توجه به آنچه در تواریخ ثبت و مستند است و صرف نظر از نسب تراشی‌ها، چنین است: حسن خان بن عبدالرحیم خان بن حاجی هاشم بن حاجی محمود بن حاجی محمد علی.

اولین شخص از این خاندان که نام وی در کتب تاریخی آمده است حاجی محمد علی است و چنانکه پیش از این اشاره شد، اولین کسی که از این خاندان به منصبی در شیراز دست یافت حاجی هاشم، پدر حاجی ابراهیم خان و عبدالرحیم خان و جد طایر است، که سلسله آنها به نام همین شخص، به سلسله هاشمیه معروف شد.

عباس اقبال در حواشی "روزنامه میرزا محمد کلانتر" آورده است:

« حاجی هاشم کلانتر نصف شهر شیراز یعنی پنج محله حیدری‌نشین آنجا بود و در سال ۱۱۶۰ به فرمان نادر از یک چشم نابینا گردید. و اگر وساطت میرزا محمد حسین شریفی خال مؤلف همین کتاب [یعنی میرزا محمد کلانتر فارس] نبود او را نیز مانند سایر عمال فارسی که مغضوب شده بودند، نادر می‌کشت (میرزا محمد کلانتر، ۱۳۶۲، ۹-۱۰۸)

معروفترین شخصیت خاندان هاشمیه، حاجی ابراهیم خان سومین فرزند حاجی هاشم و عموی حسن خان طایر است. وی که یکی از اشخاص معروف تاریخ ایران در اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه است، با کودتا بر ضد لطفعلی خان زند، نقش بزرگی در تغییر سلطنت از زند به قاجار ایفا کرد.

در باره خیانت حاجی ابراهیم خان به لطفعلی خان زند، منابع تاریخی آن دوره مطالبی آورده‌اند که تا حدودی این عمل حاجی ابراهیم خان را موجه جلوه می‌دهد. در تاریخ "ذوالقرنین" آمده است: «پس از قتل جعفرخان که نوبت سروری آن ملک به ولدش لطفعلی خان رسید، حاجی را به سبب وفور استیلاً محل کار دید، با آنکه معزی‌الیه پرورده و سبز کرده پدرش جعفر خان بود، چون او را مایه‌ی اساس می‌دانست اتلافش را می‌خواست و نمی‌توانست.» (خاوری، ۱۳۸۰، ۱۴۸).

کتاب "رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴" به نقل از "تاریخ ایران" تألیف سرجان ملکم آورده است:

« لطفعلی خان زند در حینی که اردویش در شرف حرکت بوده / به طرف اصفهان برای نبرد با نیروهای قاجار، فرمان داد تا حاج ابراهیم، پسر بزرگ خود میرزا محمد را که هنوز سنی نداشت و قابل خدمت نبود، ملتزم رکاب سازد. از این حرکت حاج ابراهیم را اگر هم قبل از این شکی بود، مرتفع شد و یقین کرد که بعد از این از لطفعلی خان امید خیری نیست. لهذا جزم کرد که خیالی را که چنین می‌نماید مدتی در خاطر داشته، انجام داده و شهر را به آغا محمد خان بسپارد. (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱: ۲۳)

در کتاب "مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب" نیز آمده است:

«... حاجی ابراهیم، بنا به شم طبقاتی خویش به عنوان یک بازرگان که خواهان ثبات و آرامش بود و نیز حفظ منافع شخصی خود، تشخیص داد که قاجاریه بهتر از زندیه می‌تواند ثبات ایران را تأمین کنند. یک دهه بعد حاجی ابراهیم به مالکوم گفت: کسی از سرباز غارتگر زند یا قاجاری خوشش نمی‌آید، همه می‌خواهند ایران بزرگ و قدرتمند و از ثبات داخلی برخوردار باشد.» (فوران، ۱۳۸۲، ۱۴۷)

اگر چه مؤلف کتاب "صدرا تواریخ" در باره حاجی ابراهیم خان نوشته است:

«از اقوال مورخین و اطلاعاتی که ما شخصاً داریم حاجی ابراهیم خان همواره ملاحظه پیشرفت کارهای شخصی خود را نموده، چندان پاس عالم حقوق و حفظ مراتب وفاداری و ثبات عهد و درستی پیمان نمی‌نمود... به هوش خود از هر طرف که رایحه فتح و ظفر استشمام می‌نمود خود را ملحق به سروران لشکر می‌نمود.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ۲۷)

با این حال حفظ جان را علت خیانت وی به خان زند دانسته و آورده است: «مردی با تدبیر و دوراندیش بود که مال کار فردا را امروز می‌خواند. به اقتضای وقت چاره جویی می‌نمود. جان خود را در آخر کار زندیه و ظهور سلطنت قاجاریه به سلامت برد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ۱۲).

در باره جایگاه و مقام حاجی ابراهیم خان در کتاب "تاریخ عضدی" چنین آمده است:

«اما حاجی ابراهیم خان در وقار و مکانت اول شخص روزگار خود بود. میرزا شفیع صدر و دیگران نمی‌توانستند در خدمت او دم بزنند. میرزا بزرگ قایم مقام محرر اعتماد الدوله بوده، از این معلوم می‌شود که به چه درجه و مرتبه بزرگی داشته. وقتی یکی از مقربان حضرت خاقان عرض کرده بود که محرمانه مطلبی می‌خواهم به عرض برسانم، شاهنشاه فرموده بودند بگو، عرض کرده بود وزیر بگریز بهتر از حاجی ابراهیم نمی‌شد، کسی بهتر از او خدمت نمی‌کرد، چرا مستوجب عزل شد. فرمودند حاجی ابراهیم خان صدراعظم، خوب وزیر بود اما برای سلطنت آقا محمدشاه، مثل او صدراعظمی برای سلطنت من فرع زیاده بر اصل بود. این سرا تنگ بود و مرد بزرگ...» (عضدالدوله، ۱۳۵۶، ۷-۹۶).

به نظر می‌رسد آنچه را که کتب تاریخی دوره قاجار و مورخین خارجی در باره حاجی ابراهیم خان نوشته‌اند، منصفانه باشد. از این تواریخ بر می‌آید که سیاست و قدرت‌طلبی حاجی ابراهیم خان و موفقیت وی در به دست آوردن قدرت و نفوذ، عامل اصلی سوء قصد خان زند و شاه قاجار به وی بوده است. حاجی ابراهیم خان در دوره‌ای از تاریخ ما که باید هر مقام و سمتی، جز سمت شاهی، اسم بلا رسم باشد به دنبال استقلال عمل و اعمال نظر بوده است.